

جایگاه امام حسین علیه السلام در تفاسیر شیعی

دکتر محمد اسماعیل عبداللّهی^۱

محمد کرمی نیا^۲

چکیده

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، دو چیز گران بها را در میان مردم به ودعیه نهاد؛ یکی قرآن و دیگری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام. امام حسین علیه السلام یکی از اهل بیت و پنجمین نفر از آل عبا علیهم السلام است. ایشان به سبب ویژگی که بین دیگر بزرگان معصوم دارد، مورد توجه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام و مسلمانان بوده و آیات بسیاری در قرآن کریم درباره آن حضرت وجود دارد. برخی تعداد آیات را ۱۲۸ و برخی دیگر تا ۲۵۰ آیه ذکر کرده‌اند. برخی از آیات یادشده، آشکارا درباره امام حسین علیه السلام نازل شده‌اند و برخی با تفسیر و تأویل مفسران - و البته به کمک روایات - برایشان تطبیق شده است. پژوهش حاضر به این پرسش که «دیدگاه‌های مفسران شیعه درباره امام حسین علیه السلام در قرآن کریم چیست؟» پاسخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر، شیعه، امام حسین علیه السلام، روایات.

۱. دکتری تصوف و عرفان اسلامی، عضو گروه علمی فرق و ادیان حوزه علمیه قم
(m.s.abdollahy@hotmail.com)

۲. دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم
(raminia.mohammad@yahoo.com)

مقدمه

از آن جا که قرآن کریم کتاب هدایت به شمار می آید، ولی هدایت، فرع بر فهم قرآن است، قرآن کریم وظیفه تفسیر و تبیین معارف قرآنی را بر عهده پیامبر ﷺ قرار داده و پیامبر نیز اهل بیت و عترت را که یکی از دو ثقل هستند، در کنار قرآن کریم قرار می دهد. بنابراین، بیانات آنان مفسر و مبیین معارف قرآنی است.

بهترین جلوه احیای نام و یاد کتاب خدا، آن جا صورت گرفت که سر مقدس آن حضرت بر بالای نیزه، ندای الهی سرداد و با این ندا به سیاه دلانی که هیچ گاه نخواستند ندای حق را بشنوند، فهماند که نور خدا خاموش شدنی نیست و قرآن همیشه زنده خواهد ماند:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾. (صف: ۸)

آری، آن سر مبارک بر روی نیزه، اصحاب کهف را یاد آور شد چنین تلاوت کرد:

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾. (کهف: ۹)

امام حسین علیه السلام مظهر کلمات تامه پروردگار است. در تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای توجه دادن امت اسلامی به حسین علیه السلام اسراری نهفته است. چه بسا یکی از مهم ترین آن اسرار، همین باشد که حسین علیه السلام آشکارترین آیات الهی و پرفروغ ترین مظهر پروردگار روی زمین و در آسمان است. بر اساس این راز، چگونه قابل تصور است که نام و نشان آن حضرت در آیات کتاب الهی نیامده باشد؟

سنت حفظ قرآن^۱ اقتضا می کند که نام حسین علیه السلام به صراحت و به نص در قرآن نیاید؛ چرا که در این صورت، این دسته از آیات را مانند خود آن بزرگوار که قرآن ناطق بود و شهیدش کردند و سرش را بر نیزه کردند، با شمشیر نیرنگ از میان برمی داشتند و قرآن را بر نیزه تحریف می کردند؛ چنان که کلمات صریح و نص پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام زیر پا گذاشته شد و کتمان گردید.

^۱. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (حجر: ۹)



بنابراین، جمع آن رازواین سنت، چنین است که نام و نشان حسین علیه السلام در باطن آیات متعدد قرآن کریم آمده باشد.

امام حسین علیه السلام و قرآن

امام حسین علیه السلام در معرفی قرآن کریم می فرماید:

كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ؛ (شعیری، بی تا: ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۲۷۸ و ۸۹ / ۲۰، ۱۰۳ و ۱۱۰ / ۲۷۵)

کتاب خدا بر چهار چیز استوار است: عبارات و اشارات و لطایف و حقایق. عبارات قرآن برای عموم است و اشارات قرآن از آن خواص و لطایف قرآن برای اولیای خدا و حقایق آن از آن انبیاء است.

بی گمان آیات نازل شده در شأن امام حسین علیه السلام، گوناگون اند. برخی از روایات برای تفسیر و برخی دیگر روایاتی هستند که در تطبیق آیات به امام حسین علیه السلام دلالت می کنند. در این پژوهش در صدد بیان آنها هستیم.

۱. آیاتی که در تفاسیر شیعه به امام حسین علیه السلام تفسیر شده اند

۱. «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ»؛ (آل عمران: ۶۱)

به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم.

مفسران در قسمت «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ» اجماع دارند که مراد از پسران پیامبر، حسن و حسین علیه السلام هستند (طوسی، بی تا: ۲ / ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۶۳).

همچنین ثعلبی در تفسیر خود از مجاهد و کلبی چنین روایت کرده است:

در جریان مباحله، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به همراه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در حالی که دست حسن و حسین علیه السلام را گرفته بود، به مباحله آمدند. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱ / ۸۱)

رسول اکرم ﷺ در مباحله، اهل بیت خود را همراه کرد که این نشان از مقام والای اهل بیت علیهم السلام دارد که از جمله آنها امام حسین علیهما السلام است.

۲. «فَتَلَقَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»؛ (بقره: ۳۷)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت.

در کتاب شریف کافی آمده است که یکی از دو امام معصوم (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) در تفسیر آیه فرمودند:

حضرت آدم علیهما السلام پس از خروج از بهشت، گفت: پروردگارا! جز تو خدایی نیست. پاک و منزهی تو. تو را سپاس می گویم. به خودم بد کردم و به نفس خود ظلم نمودم. مرا ببخش و توبه مرا بپذیر که توبه پذیری.

شبهه به این روایت، از صدوق، عیاشی، قمی و دیگران نیز نقل شده است. در روایتی دیگر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل شده است که از حضرت درباره آیه یاد شده سؤال شد؛ حضرت فرمود:

سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. (عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۱/ ۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۴۸)

توجه به مقام پنج تن آل عبا علیهم السلام - که یکی از آنان سید الشهداء علیهما السلام است - باعث می شود دریابیم به این بزرگواران چه عظمتی عنایت شده که حضرت آدم علیهما السلام برای پذیرش توبه اش به دامان آل عبا علیهم السلام متوسل می شود و خداوند نیز توبه او را می پذیرد.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را.

ابن بابویه به سند خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده که گفت:

وقتی خدای عزوجل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» را بر پیامبر اکرم ﷺ نازل کرد، به آن جناب عرضه داشتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم؛ اولی الامر کیست که خدای تعالی اطاعت

کردن آنان را دوشادوش اطاعت توقرار داده است؟ فرمود: ای جابرا! آنان جانشینان من اند و امامان مسلمین پس از من هستند که اولی آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس حسن و آن گاه حسین و پس از او علی بن الحسین و آن گاه محمد بن علی است که در تورات معروف به باقر علیه السلام است و توبه زودی او را درک خواهی کرد. چون با او دیدار کردی، از طرف من به او سلام برسان. سپس صادق جعفر بن محمد و بعد از او موسی بن جعفر و آن گاه علی بن موسی و پس از وی محمد بن علی و سپس علی بن محمد و آن گاه حسن بن علی و در آخر، هم نام من محمد است که هم نامش نام من است و هم کنیه اش کنیه من است. او حجت خداوند است بر روی زمین، و بقیة الله و یادگار الهی در بین بندگانش است. او پسر حسن بن علی است. اوست آن کسی که خدای تعالی نام خودش را به دست او در سراسر جهان می گستراند.

این روایت را نعمانی از سلیم بن قیس و علی بن ابراهیم نیز به همین طریق آورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۴۱۱).

جابر جعفی و ابوبصیر از امام باقر علیه السلام و حسن بن صالح از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که در تفسیر آیه فرمود:

اولی الأمر، اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم فاطمه علیها السلام از امامان هستند. (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۱۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۱۱۲ و ۱۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۴۱۱)

همان طور که در روایات ذکر شد، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت از اهل بیت علیهم السلام مطابق آیه شریفه واجب است. بنابراین اولی الأمر باید معصوم باشد تا اطاعت او مانند اطاعت از رسول خدا که معصوم است، لازم و واجب شود و این بیان، تنها از جهت مصداقی به اهل بیت علیهم السلام تعلق دارد. از آن جا که یکی از معصومان، امام حسین علیه السلام است، اطاعت از سید الشهداء نیز به بیان آیه واجب است و جای بسی تأسف است که با آگاهی از این مقام، از آن بزرگوار اطاعت نکردند و آن مظلوم را به شهادت رساندند.

۴. ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّمُنْتَوِّمِينَ﴾؛ (حجر: ۷۵)

در این [سرگذشت عبرت انگیز]، نشانه‌هایی برای هوشیاران است.

در مجلس مأمون، از علل امامت سؤال کردند. امام رضا علیه السلام فرمود: این آیه درباره پیامبر که اولین باهوش و علی و حسن و حسین علیهم السلام تا روز قیامت اند، نازل شده است.

در تفسیر عیاشی از عبدالرحمن بن سالم اشل، روایت کرده که در تفسیر آیه گفت:

متوسمین، آل محمد علیهم السلام هستند. (عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۳/۲۵؛ قمی مشهدی،

۱۳۶۸: ۷/۱۵۱)

این آیه به روشنی بر باهوش بودن اهل بیت - که از جمله آنان امام حسین علیه السلام است - تصریح می‌کند. آری، حضرت با هوش و ذکاوتی خاص در برابر ظلم و ستم ایستادگی فرمود که دشمن را خوار و ذلیل کرد و ناحق بودنشان را در افکار عمومی به اثبات رساند.

۵. «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (مطففین: ۲۲)

مسلماً نیکان در انواع نعمت اند.

درباره این که ابرار، چه کسانی هستند و منظور از ابرار در آیه چیست، از امام حسن علیه السلام

روایتی وارد شده که فرمود:

كُلُّ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الْأَبْرَارَ» فَوَاللَّهِ مَا أَرَادَ بِهِ إِلَّا عِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ

فَاطِمَةَ وَأَنَا وَالْحُسَيْنَ؛ (عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۵/۵۳۳، ۵۲۶، ۴۳۷؛ قمی مشهدی،

۱۳۶۷: ۱۴/۱۷۲ و ۱۸۸)

در هر جای قرآن، خداوند «ابرار» را ذکر فرموده، به خدا قسم کسی را جز [پدرم]

علی بن ابی طالب و [مادرم] فاطمه و من و حسین را اراده نفرموده است.

ابرار کسانی هستند که نفس زکیه دارند و هیچ کاری جز صلاح و خیر انجام نمی‌دهند. بنابراین چنین خصوصیتی تنها بر انوار مقدسه پنج تن آل عبا علیهم السلام انطباق دارد که یکی از آن ابرار، حسین بن علی علیه السلام است. او نفس زکیه و مطمئن است و در کربلا به نفع دین و به صلاح جامعه اسلامی شهادت را با رضایت به قضای الهی پذیرفت که دین پابرجا بماند (نجف لو، بی تا: ۱۰۴). حال می‌توان گفت بنا به روایت امام حسن علیه السلام، آیه ۱۳ سوره انفطار نیز همین تفسیر را دارد.

۶. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (قصص: ۵)

می خواهیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

در معانی الاخبار از مفضل بن عمر روایت شده که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و گریست و فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید. پرسیدم: یا ابن رسول الله! معنای آن چیست؟ فرمود: معنایش این است که شما ائمه بعد از من هستید که ضعیف شمرده می شوید و این آیه تا روز قیامت بر ما جاری است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/ ۸۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/ ۲۴۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۱۴)

ائمه پس از پیامبر، مستضعفان هستند و این در حالی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جاهای مختلف، آنان را سفارش فرموده است. نگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به امامان از جمله امام حسین علیه السلام و گریه آن حضرت، افزون بر این که مقام شامخ ایشان و محبت بسیار زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان را می رساند، نوعی سفارش اکید به مسلمین نیز به شمار می رود تا مسلمین آگاه، متوجه مقام آنان از جمله امام حسین علیه السلام شوند و در جای خود، به دفاع از آنان برخیزند.

۷. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»؛ (احقاف: ۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

در تفسیر علی بن ابراهیم علیه السلام در ذیل آیه، روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

خداوند به رسول خود ولادت حسین علیه السلام را پیش از ولادتش بشارت داد که امامت تا روز قیامت در ذریه این مولود خواهد بود و سپس از شهادت آن بزرگوار خبر داد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله این خبر را برای فاطمه علیها السلام بیان فرمود. از این رو حضرت زهرا علیها السلام

بر حمل خود که حسین علیه السلام بود، کراحت داشت... آیا مادری را دیده‌اید که از حمل خود ناراحت باشد؟ ناراحتی حضرت زهرا علیها السلام به سبب آگاهی از کشته شدن فرزندش حسین علیه السلام بود.

در *علل الشرایع* نیز روایتی به همین مضمون درباره آیه نقل شده است (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۱۴؛ عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۵/۱۱-۱۲).
 بی‌گمان کسی که ولادتش پیش از تولد، به وسیله خالق هستی مژده داده شود، دارای شخصیتی بی‌بدیل خواهد بود. این آیه درباره ولادت امام حسین علیه السلام نازل شده است و علمای شیعه روایات بسیاری در این باره نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶/۲۶۶).

۲. آیاتی که در تفاسیر شیعه، به امام حسین علیه السلام تطبیق شده است

۱. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)
 وکسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق‌های خوبی هستند.

در تفسیر *علی بن ابراهیم* از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

نبیین، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و صدیقین، علی علیه السلام و شهدا، حسن و حسین علیهما السلام و صالحین، ائمه علیهم السلام هستند و «حسن اولئک رفیقاً»، قائم آل محمد علیه السلام است. (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۴۲)

امام پنجم علیه السلام مصادیق را بیان کرده و شهدا را به امام حسن و حسین علیهما السلام تطبیق فرموده است که این مطلب، بر مقام شهادت در حسین علیه السلام تصریح می‌کند تا حقانیت آن بزرگوار از زبان قرآن بر همگان روشن و ثابت گردد.

۲. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»؛ (ابراهیم: ۲۴)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» [وگفتار پاکیزه] را به درختی پاکیزه تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟

انس از پیامبر ﷺ روایت کرده است که «درخت پاکیزه نخل است». ابن عباس می‌گوید: «درختی در بهشت است». ابن عقده از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

درخت پاکیزه، پیامبر و شاخه‌های آن علی و عنصر آن فاطمه و میوه‌های آن اولاد فاطمه (حسن و حسین علیهما السلام) و شاخه‌ها و برگ‌های آن شیعیان ما هستند. ... هنگامی که یکی از شیعیان ما می‌میرد، برگی از آن درخت ساقط می‌شود و چون طفل شیعه‌ای متولد می‌شود، برگی به جای آن برگ، سبز می‌شود.

ابن عباس روایت کرده است که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد:

آن درخت، تویی و علی شاخه آن و فاطمه برگ آن و حسن و حسین میوه آن هستند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵/۳/۸۵؛ ثمالی، ۱۴۲۰: ۲۲۲)

روایت امام باقر علیه السلام درباره آیه مذکور - که مصادیق درخت طیب را ذکر می‌کند - در حقیقت مصادیق را برآیه تطبیق فرموده است. همچنین در روایت ابن عباس، جبرئیل مصادیق آیه را برمی‌شمرد که البته برای این مصادیق، فضیلت و مقامی بالا قرار دارد. بدین ترتیب امام حسین علیه السلام را میوه درخت طیب معرفی می‌کند؛ چراکه او میوه دل پیامبر و علی و فاطمه علیهما السلام است.

۳. «التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَاءِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا»؛ (احزاب: ۶)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [مؤمنان] محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آن چه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر این که بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید [و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید]؛ این حکم در کتاب [الهی] نوشته شده است.

عبدالرحمن قصیر می‌گوید:

از امام باقر علیه السلام در مورد آیه که در حق چه کسی نازل شده است پرسیدم. فرمود: در

امری نازل شده که بر حسین علیه السلام و فرزندان بعد از او جاری است و ما به امر رسول الله صلی الله علیه و آله از مؤمنین و مهاجرین اولی هستیم. پرسیدم: فرزندان جعفر را نیز شامل می‌شود؟ فرمود: نه. (عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۴/۲۳۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۲۲)

بنابراین در تفسیر آیه، مذکور «اولی» را به امام حسین علیه السلام و فرزندان آن حضرت تطبیق کرده‌اند که این نیز برای امام حسین علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت علیهم السلام فضیلتی بزرگ به شمار می‌رود و چون راوی درباره فرزندان جعفر می‌پرسد؟ حضرت پاسخ می‌دهد: آنان داخل در این فضل نیستند و تنها مختص اباعبدالله الحسین علیه السلام و فرزندان اوست.

۴. «يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ»؛ (رحمن: ۲۲)

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد:

ابن مردویه از ابن عباس نقل کرده است که «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» علی و فاطمه علیهم السلام هستند. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» پیامبر صلی الله علیه و آله است. «يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ» حسن و حسین علیهم السلام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۰۳)

علی بن ابراهیم و ابن بابویه از یحیی بن سعید و محمد بن عباس از جابر جعفی و دیگران از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود:

آیات ۱۹ و ۲۰ الرحمن، علی و فاطمه علیهم السلام دو دریای عمیق از علم هستند که هیچ کدام بر صاحبش طغیان نمی‌کند. «يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ» حسن و حسین هستند. (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۳۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳/۱۳۳)

۵. «وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ»؛ (فجر: ۳)

و به زوج و فرد.

در کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

اقْرءُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَ تَوَافِلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام مَنْ قَرَأَهَا كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي دَرَجَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ؛

سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب بخوانید؛ زیرا این سوره، سوره امام

حسین علیه السلام است و هرکس آن را بخواند در روز قیامت با امام حسین علیه السلام خواهد بود.

علی بن ابراهیم، در تفسیر آیه نقل کرده است که «شفع» دو رکعت نماز شب و «وتر» یک رکعت است. در روایتی دیگر نیز نقل کرده که «شفع» یعنی حسن و حسین علیهما السلام و «وتر» امیرالمومنین علیه السلام است (قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۴۱۹).

۶. «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات: ۱۰۷)

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم.

فضل بن شاذان در شرح این آیه می‌گوید:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: زمانی که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود به جای اسماعیل علیه السلام قوچی را که فرستاده ذبح کند، ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست به دست خودش فرزندش را ذبح نماید تا به بالاترین درجه اهل ثواب (صابران به معصیت) برسد. خداوند به او وحی فرمود: ای ابراهیم! چه کسی از خلقم در نزد تو دوست داشتنی است؟ عرض کرد: هیچ‌یک از خلق تو نزد من به اندازه حبیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوست داشتنی نیست. فرمود: ای ابراهیم! او نزد تو دوست داشتنی است یا خودت؟ عرض کرد: او در نزد من از خودم دوست داشتنی تر است. فرمود: فرزند او در پیش تو دوست داشتنی است یا فرزند خودت؟ عرض کرد: خدایا! فرزند او. فرمود: فرزند او با ظلم و به دست دشمنان ذبح شود دلخراش است، یا فرزند تو که به دست خودت به خاطر اطاعت من ذبح شود؟ عرض کرد: خداوند! البته اگر فرزند او به دست دشمنان ذبح شود، برای من دلخراش تر است. فرمود: ای ابراهیم! گروهی که می‌پندارند از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، سرفرزندش حسین علیه السلام را با ظلم و عداوت از بدن جدا می‌کنند و موجب خشم من می‌شوند. ابراهیم گریه کرد. خداوند فرمود: ای ابراهیم! اگر اسماعیل را ذبح می‌کردی و دلت می‌سوخت، درجه‌ای را به تو می‌دادم، اما به خاطر گریه بر حسین علیه السلام که دلت برای مظلومیتش سوخت و تو را به گریه درآورد، بهترین و بالاترین درجات صابران به معصیت را به تو عطا کردم. و این همان قول خداوند است که فرمود: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (استرآبادی، ۱۴۰۹:

۴۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/۲۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/۶۱۹)

امام رضا علیه السلام در شرح آیه مذکور، به شهادت امام حسین علیه السلام و مظلومیت آن بزرگوار تصریح می‌کند و علاوه بر شهادت آن حضرت، به ثواب گریه و عزاداری برای آن امام مظلوم نیز تأکید می‌فرماید؛ چراکه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در راه دین و برای احیای سنت نبوی در کربلا به وسیله بدترین افراد روی زمین به شهادت رسید و ثواب عزاداری بر آن بزرگوار، بنا بر روایت یادشده، ثواب ذبح اسماعیل را دارد؛ چراکه او ذبح عظیم است.

۷. «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»؛ (رحمن: ۱۷)

او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.

در تفسیر علی بن ابراهیم، در ذیل آیه شریفه، چنین نقل شده است:

مشرق الشتاء و مشرق الصيف و مغرب الشتاء و مغرب الصيف؛

منظور از مشرق، مشرق تابستان و مشرق زمستان و منظور از مغرب، مغرب زمستان و مغرب تابستان است.

اسحاق بن عمار از ابی بصیر، این گونه روایت کرده است:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: منظور از «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» چیست؟

فرمود: مشرقین، رسول الله و امیر المؤمنین است و منظور از مغربین، حسن و

حسین هستند. (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۳۴۴)

امام علیه السلام مغربین را به امام حسن و حسین علیه السلام تطبیق فرموده است. این تطبیق نیز به منزله امتیازی برای امام حسین علیه السلام به شمار می‌رود. شاید بتوان گفت که یک جهت در هدایت، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و طرف دیگر هدایت، حسن و حسین علیه السلام هستند و این مطلب با روایات، مغایرتی ندارد.

۳. روایات تفسیری در منابع شیعه

۱. «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا»؛ (بقره: ۱۳۶)

بگوئید: ما به خدا و به آن چه بر ما نازل شده ایمان آورده‌ایم.

امام باقر علیه السلام در شرح این آیه فرمود:

به درستی که این آیه قصد شده، علی و فاطمه، حسن و حسین علیهما السلام و در بقیه ائمه جاری شده است؛ یعنی مردم به مثل آن چه شما (علی، فاطمه، حسن و حسین و ائمه علیهم السلام) ایمان آورده‌اید، ایمان آورند. (شبر، ۱۴۰۷: ۱/۳۹۱؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۸۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۶۲)

مقصود آن است که مردم، اهل بیت علیهم السلام را الگو قرار دهند و در عمل به آنها اقتدا کنند تا هدایت شوند.

۲. «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ»: (انعام: ۸۴-۸۵)

واز فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم]؛ این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و [همچنین] زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند.

محمد بن یعقوب از ابی الجارود و او از امام باقر علیه السلام چنین روایت می‌کند:

ای ابی الجارود! درباره حسن و حسین علیهما السلام به شما چه می‌گویند؟ ابی الجارود گفت: بر ما انکار می‌کنند که آن دو بزرگوار، فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند. امام فرمود: شما به چه چیزی بر آنها دلیل می‌آوردید؟ ابی الجارود گفت: ما به قول خدای عز و جل درباره عیسی بن مریم: «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» بر آنها دلیل می‌آوریم که خدای تعالی در این آیات کریمه، عیسی بن مریم را از فرزندان نوح قرار داد. امام فرمود: آنان به شما چه گفتند؟ ابی الجارود گفت: آنان گفتند: گاهی فرزند دختر، از فرزند است، اما از صلب نیست. فرمود: شما بر آن چه دلیل آوردید؟ ابی الجارود گفت: بر آنان به قول خدای متعال برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دلیل آوردیم که می‌فرماید: «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (آل عمران: ۶۱). فرمود: آنان چه گفتند؟ ابی الجارود گفت: آنان گفتند: گاهی در عرب به فرزندان مرد دیگری می‌گویند: فرزندان ما. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: چیزی را از کتاب به تو

اعطا می‌کنم که بر اساس آن، دویزگوار (حسن و حسین)، از صلب رسول الله ﷺ هستند و آن را کسی رد نمی‌کند، مگر کافر. امام فرمود: آن‌جا که خدای متعال فرمود: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ... وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ» (نساء: ۲۳). ای ابی‌الجارود! آیا برای پیامبر خدا ﷺ نکاح حلیله آن دو حلال است؟ پس اگر آنان بگویند: آری، دروغ گفته‌اند و فاجرند و اگر بگویند: نه، پس معلوم می‌شود که آن دویزگوار (حسن و حسین) فرزندان او از صلبش هستند. (عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۱/۳۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۲۶۳)

مفسران در شرح آیه، بر این که حضرت عیسیٰ ﷺ نیز از فرزندان حضرت نوح شمرده شده است، برای اثبات فرزندان رسول خدا بودن حسن و حسین ﷺ نیز به این آیه احتجاج کرده‌اند.

امام باقر ﷺ برای اثبات این که امام حسن و حسین ﷺ فرزندان رسول خدا ﷺ هستند، به آیه دیگری نیز استناد کرده که هیچ‌کس بر این مقام (ابن رسول الله) تردیدی نداشته باشد.

۳. «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا»؛ (مریم: ۵۳)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را - که پیامبر بود - به او بخشیدیم.

هشام بن سالم می‌گوید:

به امام صادق عرض کردم: یا بن رسول الله! امام حسن ﷺ افضل است یا امام حسین ﷺ؟ فرمود: امام حسن ﷺ افضل از امام حسین ﷺ است. گفتم: پس چرا امامت در صلب امام حسین قرار گرفته است؟ فرمود: خدای متعال سنت موسی و هارون را در امام حسن و امام حسین ﷺ جاری نمود. همان‌طور که موسی و هارون در ثبوت شریک هستند، حسن و حسین ﷺ نیز در امامت شریک‌اند. همان‌گونه که با برتری موسی نسبت به هارون، خداوند نبوت را در فرزندان هارون قرار داد، امامت را نیز با وجود برتری امام حسن ﷺ در صلب امام حسین ﷺ قرار داده شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۴۹؛ عروسی هویزی، ۱۴۱۵: ۳/۳۴۱ و ۳۷۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/۸۵۳)

حضرت در این روایت ضمن شرح آیه - که موسی و هارون هر دو در نبوت شریک بودند و نبوت در فرزندان هارون قرار گرفته است - به یکی دیگر از فضایل امام حسین علیه السلام پرداخته که آن، قرار گرفتن امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام است.

۴. تنوع تفاسیر و نقد و بررسی آنها

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم).

تفسیر

در معنای آیه مذکور، اختلافاتی شده و سه گفتار وجود دارد: (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۴۳)

۱. حسن، جبائی و ابی مسلم گفته‌اند: قربی در این آیه به معنای تقرب جستن به درگاه الهی است و مودت فی القربی یعنی دوست داشتن طاعت و تقوا در راه تقرب به درگاه الهی؛ یعنی «من در برابر تبلیغ دین و تعلیم شریعت، از شما اجری جز دوستی و محبت نسبت به اعمال صالحی که شما را به درگاه الهی مقرب سازد نمی‌خواهم».

۲. ابن عباس، قتاده، مجاهد و جماعتی گفته‌اند: یعنی «مرا به سبب قرابتی که با شما دارم دوست بدارید و به خاطر خویشاوندی مرا حفظ کنید». گفته‌اند: چون تمامی قریش با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت خویشاوندی داشتند، طرف خطاب آیه، تنها مردم قریش خواهند بود و معنا چنین نخواهد شد که «اگر مرا به خاطر نبوت و پیامبری دوست نمی‌دارید، به سبب خویشاوندی و قرابتی که بین من و شماست دوست داشته باشید».

۳. از علی بن حسین علیه السلام، سعید بن جبیر، عمرو بن شعیب، حضرت باقر علیه السلام، حضرت صادق علیه السلام و جماعتی نقل شده که معنای آیه چنین است: «من از شما در برابر رسالتم جز دوست داشتن نزدیکانم و اهل بیتم مزدی نمی‌خواهم. هر احترامی که به من می‌گذارید به آنان نیز بگذارید».

امام علی بن الحسین علیه السلام می‌فرماید: وقتی امیر مؤمنان علی علیه السلام به شهادت رسید، حسن بن علی علیه السلام در میان مردم خطبه خواند که بخشی از آن این بود:

أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾ وَاقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۴۱۱)

من از خاندانی هستم که خداوند مودت آنها را بر هر مسلمانی واجب کرده است و به پیامبرش فرموده: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...﴾. منظور خداوند از اکتساب حسنه، مودت ما اهل بیت است.

اعمش از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می‌کند:

هنگامی که آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ نازل شد، گفتند: یا رسول الله! این کسانی که خداوند به ما فرمان داده است آنان را دوست بداریم چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آنان (حسن و حسین) علیهم السلام هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۴۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۱/۵۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۴۱۰)

نقد

چنان که در تفسیر آیه بیان شد، «قربی» علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند و این موضوع بنا به روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه نقل شده، ثابت است. در عین حال، اقوال ذکر شده دارای اشکالاتی هستند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

اشکال قول اول این است که:

اولاً، بنا بر وجه در جمله ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ ابهام وجود دارد و با آن ابهام خطاب به مشرکان درست نیست؛ چون خلاصه مفادش این است که مردم با خدا دوستی داشته باشند و به درگاهش تقرب جویند، حال آن که مشرکان منکر آن نیستند؛ چون آنان الهه خود را به همین ملاک تودد با خدا و تقرب به سوی او می‌پرستند و خدای تعالی از همین مشرکان حکایت می‌فرماید که گفته‌اند:

﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ﴾. (زمر: ۳)

بنابراین اگر به گفته مفسران مزبور، معنای آیه ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾، تودد نسبت به

خدا از راه عبادت است، باید آن را مقید به عبادت خدا به تنهایی می‌کرد و می‌فرمود: «راه تودد و تقرب این نیست که با پرستش بت‌ها به خدا تقرب جویند؛ بلکه باید تنها خدا را پرستید و من از شما جز این توقع ندارم». در چنین مقامی مهمل گذاشتن این قید با ذوق سلیم سازگار نیست.

ثانیاً، در قرآن کریم، استفاده از مودت به معنای تودد، سابقه ندارد.

اشکال قول دوم این است که:

معنای اجروقتی تمام می‌شود که درخواست کننده آن، کاری کرده باشد و سودی به مردم رسانده باشد و در ازای آن مزدی طلب کند؛ مزدی که برابر عمل عامل باشد و در مورد بحث، اجروقتی معنا دارد که رسول خدا ﷺ قریش را هدایت کرده باشد و آنان ایمان آورده باشند؛ چون با فرض باقی ماندن در کفر و تکذیب دعوت آن حضرت، چیزی از ایشان نگرفته‌اند که در برابرش اجری بدهند. به فرض هم که به آن حضرت ایمان آورده باشند، به یکی از اصول سه‌گانه دین ایمان آورده‌اند، نه به همه آن تا باز بدهکار مزد باشند. افزون بر این که در همین فرض، دیگر بغض و دشمنی تصور ندارد، تا ترک آن مزد رسالت فرض شود و رسول خدا ﷺ آن را از ایشان بخواهد.

از این رو می‌توان گفت بنابراین، قول سوم مورد پذیرش است و دلایل آن ذکر شد (نجف‌لو، بی تا: ۱۳۶).

نتیجه‌گیری

نام، یاد و شخصیت سیدالشهدا علیه السلام در متون تفسیری شیعه، جایگاه و نقشی بسیار برجسته دارد. نام و یاد آن بزرگوار در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به گواهی مورخان و مفسران شیعه، توسط آن حضرت زنده نگه داشته شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله در مواقع گوناگون، آن بزرگوار را به عناوین مختلف سفارش می‌کرد یا مقام و عظمتش را به مردم گوشزد می‌فرمود. همچنین با بیانات خود، نقش پررنگ ایشان را در سعادت بشری یادآوری می‌کرد و به فراخور حال، آیاتی را که در شأن اهل بیت علیهم السلام که از جمله آنها امام حسین است را تفسیر یا تطبیق می‌فرمود که همه به عظمت امام حسین پی ببرند.

منابع

- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان في تفسير القرآن*، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بنیاد بعثت.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الكشف والبيان المعروف بتفسير الثعلبي*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- ثمالی، ابوحمزه ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق)، *تفسير القرآن الكريم (ثمالی)*، بيروت: دارالمفيد.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، *الجواهر الثمين في تفسير الكتاب المبين*، كويت، شركة مكتبة الالفين.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الأخبار (لشعیری)*، نجف، المطبعة الحيدرية.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تحقيق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- عروسی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسير نور الثقلين*، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش)، *تفسير العیاشی*، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران، چاپخانه علمیه.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، مكتبة الصدر.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع والنشر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- نجف لو، محمود (بی تا)، جایگاه امام حسین در تفاسیر فریقین (رساله علمی سطح ۳)، قم، کتابخانه آیت الله بروجردی رحمته.

